

خاتمة المستدرک

[284] باب إسترداد وإفراد وتبديل وتغيير سيور غالات ومسلميات ومفر وزيات واقع شود آنرا مستثنى شناسند، ومبلغ ده تومان تبریزی از دار الضرب حله که عوض قيرحار هیت وحله که مبلغ هشتصد تومان لر وجه سیورغال عالی رتبت مشار إلیه مقرر بوده بواسطه تعذر نقل برضا ورغبت ترك کرده در وجه سیورغال آن عالی منقبت مقرر است، مذکورات را بهمان دستور بر قرار دانسته اصلا " تغيير وتبديل بقواعد آن راه ندهند، وما دام که وجه مذکور از دار الضرب بوكلاء مومی إلیه واصل نشود یکدینار باحدی ندهند، وآن وجه را بر جميع حوالات ومطالبات مقدم دارند، وچون در این ولا التماس نمود که موضع بهیلل (1) که عوض سعید برکه مبلغ هفتاد ودو تومان در وجه سیورغال آن قدسي مرتبت مقرر بوده تغییر داده، عوض آن موضع برقانیه وتوابع سیما حاجی دحیه که مالیت آن بمبلغ هفتاد تومان مقرر است بر آن افاضة دستگاه شفقت فرمائیم، ایجا با لمسؤله فرمودیم که موضع برقانیه وتوابع را در وجه سیورغال خاتم المجتهدين مومی إلیه از ابتداء ئیلان ئیل مقرر دانسته بتصرف وكلاء مشار إلیه دهند، وتما می محصولات آنرا در سنهء مزبوره بگماشتگان أو جواب گویند، وچیزی قاصر ومنکسر نگردانند، وبهیچ عذر موقوف ندارند، وچون بموجب حکم فردوس مکان علیین آشیان دوازده خانوار از طایفه زبید - که از رعایای شویحیات اند - مالا " ووجوها تا بدان افاضة دستگاه مسلم است بهمان دستور مقرر دانسته، مضمون حکم مزبور را که در این باب صادر شده معتبر شناخته، از آن تجاوز ننمایند مستوفیان کرام وعمال و دیوانیان باید که تمامی مزبورات را از بنیچهء اخراجات حکمی وغیر حکمی بهر اسم و رسم که باشد سیما ساوی روده يك وده يك ونیم وچريك و رسم المهر و رسم الوزارة و رسم الصدارة و حق الکالح (2) و حیاره وامثال آن از مطالبات بهمهء ابواب سوی و مستثنی دانند، _____ (1)

ورد في الحجرية فوق هذه الكلمة: كذا. (2) وردت فوقها كلمة: كذا. (*)